

اندر حکایات گاز
این نعمت
نادیدنی!

از قدیم گفته‌اند «گاز» نعمت است. حرف دقیقی زده‌اند! خدا برایتان نیاورد که چند ساعت گاز خانه‌تان قطع باشد. آن وقت می‌بینید که قدیمی‌ها چه حرف‌های حکیمانه‌ای می‌زده‌اند. اکنون چشمتان را به چند خبر گازی روشن می‌کنیم تا خبر قطع گاز ۱۷ هزار مشترک در تربت جام را بشوید و ببرد.

- اول اینکه به لطف خداوند و همت مسئولان از دوشنبه وصل کردن گاز خانه‌ها شروع شد و ظهر سه‌شنبه مدیرعامل شرکت گاز خراسان رضوی اعلام کرد که گاز همه آن ۱۷ هزار مشترک وصل شده است.
- فرماندار تربت جام هم برای آنکه دل خوری

مصرف بی‌رویه و غیراصولی گاز از سوی برخی شهروندان در آستانه موج جدید سرما

«پولش را می‌دهیم» هم شد حرف؟!

افق نگاه بعضی‌ها از نوک بینی‌شان فراتر نمی‌رود. خودشان را می‌بینند و لاغیر. تصورشان این است که دنیا خلق شده است برای اینکه آن‌ها آسوده باشند و لذت ببرند. نمونه‌اش همین‌ها که پنبه کرده‌اند در گوش هایشان و درخواست‌های مکرر برای مدیریت مصرف گاز را نمی‌شنوند. نهایت جوابشان «پولش را می‌دهیم» است. انگار نه انگار که چهارشنبه، بیست و دومین روز یا مصرف گاز بیش از ۶۰۰ میلیون مترمکعب در بخش تجاری، خانگی و صنایع غیرعمده را سپری کردیم. نمونه عینی می‌خواهید؟ صاحبان ۷ هزار ویلایی که در مازندران شناسایی شدند، خالی از سکنه بودند و صدای رگلاتورهای انشعاب گازشان می‌گفت و سایل گرمایششان با حداکثر توان کار می‌کند. نمونه دیگر، ۱۶۰۰ مشترک بر مصرف تهرانی که چند روز پیش گازشان قطع شد. نمونه بومی‌اش، استخری که در بحبوحه رکود شکنی دمای شبانه مشهد، گاز می‌سوزاند و البته با پیگیری شهراراً غیرفعال شد. نمونه‌های مصرف غیرمسئولانه برخی شهروندان در آستانه موج جدید سرما، بیشتر از این حرف‌هاست. می‌گویید نه؟ در این گزارش همراهان باشید.

گزارش
روزروزنامه نگار
فرزانه شهبان

● به ما چه مربوط؟ به اندازه یک وجب با انگشتان کاملاً باز است. قد شعله‌های آتش را می‌گوییم. بخاری گوشه یک دربند مغازه چهارمتری گذاشته شده است و برای گرم کردن فضا دارد تلاش بیهوده می‌کند. بیهوده از این بابت که هیچ مانعی بین هوای خنک بیرون و داخل مغازه وجود ندارد. نه در، نه شیشه‌ای و نه حتی پلاستیکی. پلاستیک‌های نصب‌شده در ورودی این مغازه میوه‌فروشی بالا زده شده‌اند و فروشنده‌گانش بی‌توجه به سرمایه‌ای که به یاد می‌رود، آن هم در این روزهای سرد، مشغول بگوبوختند. المنت‌های سرخ بخاری برقی و فضایی بدون عایق بندی نکته دیگری است که در فروشگاه بعدی می‌بینیم. همین طور رانشان‌شان می‌دهیم و پیشنهاد می‌کنیم که در فروشگاه سوم،

چهارم و پنجم بازدیدمان جلب توجه می‌کند. فروشنده یکی از این مغازه‌ها، دو نوجوان شان زده هفده ساله هستند که نصف روزشان را در این میوه‌فروشی سپری می‌کنند. روز مال وقت‌هایی بود که مدرسه می‌رفتند و این هفته صبح تا عصر می‌آیند سرکار. یکی از همان اجاق‌هایی را که توصیفش کردیم، زیر میز گذاشته‌اند و هر چند دقیقه یک‌بار دست هایشان را گرم می‌کنند. آفتاب رانشان‌شان می‌دهیم و پیشنهاد می‌کنیم اجاقشان را خاموش کنند. استدلالمان

برای این پیشنهاد، این است که اگر هوا سرد است، چرا پلاستیک ورودی را کنار زده‌اند و اگر گرم است، چرا اجاق روشن کرده‌اند؟

یکی‌شان با سرخوشی می‌گوید: «ما شاگرد این مغازه ایم. چند روز حق می‌گیریم، می‌خواهید همان را هم خرج دوا و دکتر کنیم؟ از این گذشته، پول گاز را هم که ما نمی‌دهیم. صاحبکارمان می‌دهد. پس گرم باشیم، بهتر است.»

وقتی به افت فشار گاز در برخی شهرستان‌های خراسان رضوی اشاره می‌کنیم و از ضرورت صرفه‌جویی می‌گوییم، جوابی می‌دهد که مرزهای آگاهی و پاسخ خردمندانه را جابه‌جا می‌کند: «گاز ما به آن جاهایی که اسم بردید چه مربوط؟!»

● گفت وگویی پینگ‌پنگی

در گروهی مجازی متشکل از جمعی فرهیخته، خبری کوتاه و موثق مبنی بر قطع گاز در چند روستا بازنشر می‌شود. نیازی به دریافت فیلم و عکس نیست. نادیده می‌شود تصور کرد دشواری‌هایی را که اهالی روستاهای یادشده در این شهرستان مرزی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بازخورد‌ها به خبر جالب است؛ مثلاً عضوی که با شکلک خنده می‌گوید: «بخاری را گذاشته‌ام روی شمعک. همه لباس‌های توی بقیچه را هم تنم کردم. پس لطفاً دیگر این قدر ما را توی رودریابستی نگذارید،

از قطع شدن گاز را از دل شهروندان دریابورد، به خانه‌های مردم رفت، برایشان وسایل گرمایشی بردواز آن‌ها عذر خواهی کرد. او می‌گفت «مانوکر و خادم شما هستیم. خیلی عذر می‌خواهیم...»

● تازه، وزیر نفت هم اعلام کرده است که به جبران قطعی گاز، قبض برق دی‌ماه مشترکانی را که گاز خانه‌شان به علت افت فشار قطع شده بود، شرکت گاز پرداخت خواهد کرد.

● بعضی هم و طنانمان نیز برای کاهش مصرف گاز سنگ تمام گذاشتند و ایده‌های ناب مطرح کردند. مثلاً یکی از اهالی رسانه دست به اقدام جالبی در خانواده‌اش زده است. او در توییتی نوشته است:

● «به مادرم زنگ زدم و گفتم که هرچی توی خونه وسیله برقی و گازی هست، خاموش کن، می‌آم دنبالت که خونه ما باشی. دور هم بیشتر خوش می‌گذره. کمکی هم به صرفه‌جویی می‌شه.»

● یکی از جامعه‌شناسان کشور مان هم گفته است: «چند شب است در خانه و موقع خواب، سه تا ژاکت کلفت روی هم می‌پوشم و با جوراب می‌خوابم. ضخیم‌ترین پتوی خانه را هم استفاده می‌کنم. تنها گرم‌کننده اتاق روی شعله بسیار کم است. سخت هم نیست، ولی حس خوب دوستی با هم و وطنی را دارد که خانه‌اش گرم می‌شود.»



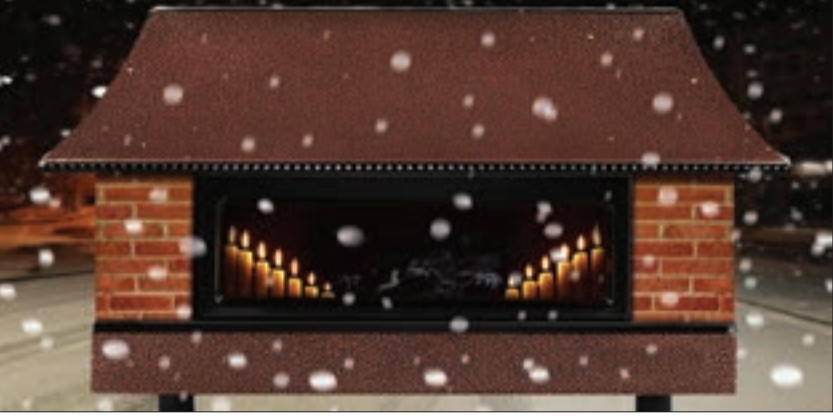
می‌شنویم. مثلاً صاحبان یک کارگاه سنگ تراشی که برای خودشان ابتکار به خرج داده‌اند و شیلنگ گاز را از حفرا‌ی به داخل یک از شعله فلزی وارد کرده‌اند، شیر گاز را باز کرده‌اند. کبریت زده‌اند و فضای داخل بشکه شده است یک پارچه آتش. مانند این بخاری دست‌ساز را، آن هم به تعداد زیاد، در یکی از میدان‌باز هم می‌بینیم. البته پیش از اینکه گازشان را کلاً قطع کنند.

با تعدادی از بافروشان که صحبت می‌کنیم، فقط گله می‌کنند از اینکه چرا گازمان قطع شد، میوه‌هایمان یخ زد، ضرر کردیم و... . وقتی به رفتار خودشان اشاره می‌کنیم و اینکه چرا باید آن بخاری دست‌ساز آن قدر گرما تولید کند که در فضای باز میدان بار از فاصله پنج شش متری هم حس شود، پاسخ‌هایی از جنس فرافکنی می‌شنویم: «آن بخاری فقط هیكلش بزرگ بود و مصرف زیادی نداشت. مثل نیسان و خاور که مصرفشان یکی است»، «کار بدی نکردیم که. سوخت را برای حفظ جان و مالمان استفاده می‌کنیم»، «این بخاری مال دو دهه پیش است. بودنش همین امسال مشکل درست کرد؟»، چند دقیقه‌ای از صحبت‌هایمان می‌گذرد و دوباره موضوع بحث برمی‌گردد در سر خانه‌اولش؛ گرفتن ایراد از تصمیمات مسئولان.

نه اینکه بشود منکر کاستی‌های مدیریتی شد، اما همیشه نقد کردن دیگران از دیدن عیب‌های خود آسان‌تر است، مگر نه؟

● به نفع پرمصرف‌ها

تعارف که نداریم. بعضی وضعیت‌ها آدم‌ها را تشویق می‌کند به زیاد مصرف کردن. یک نمونه‌اش وضعیت برخی مجتمع‌های مسکونی شهرمان و واحدهایی است که انشعاب گاز می‌جدا دارند. در نتیجه صرفه‌جویی انگیزه اقتصادی برای مشترک ندارد.



زنِ «نه شرقی، نه غربی»؛ سازنده ایران فردا

«با این تعریف، با زنی روبه‌رو می‌شویم که نه در حاشیه، که در متن است. جنسیت و جسمیت عامل متن‌نشین نیست، بلکه توانایی‌ها و کارایی است که توجه‌ها را به سوی او جلب می‌کند. اینجاست که به عنوان نیمی دیگر از پیکره انسانی، می‌توانند نقش خویش را در جایگاه خلیفه‌اللهی به‌انجام رساند. زن در نگاه اسلام انسانی است که قامت‌کشیده، صاحب عظمت و واجب‌التکریم است؛ چنان‌که در کلام «آیت... بهشتی نیز می‌خوانیم: «ما بر اساس بیش اسلامی برای زن کرامت خاصی قائل هستیم. ما معتقدیم پوشش خواهران ما پوششی باشد که با کرامت آن‌ها سازگارتر است. وقتی قرار است در جامعه رابطه مرد و زن یک رابطه کار، فعالیت،

روزنامه نگار
فرزانه شهبان

را روزافزون می‌کند. عصر انقلاب اسلامی و قرار بلند دفاع مقدس، دوران‌های نوشونده پس از این، عرصه تجلی این بزرگ‌زنان بود. امروز نیز شاهد نقش‌آفرینی سازنده زنان ایرانی‌همان‌که در کلام روشن رهبر معظم انقلاب چنین تبیین می‌شود: «زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود...

همکاری، خلاقیت و سازندگی باشد، باید از هر نوع شائبه دیگر پاک و منفرد بماند و با آن پوششی که در اسلام برای زن تعیین شده، این رابطه به‌طور طبیعی می‌تواند پاک‌تر و منزه‌تر بماند.» این کرامت است که زن الگوی سوم را از دیگر نگاه‌ها متمایز می‌کند؛ چه زن گوشه‌نشین سهمی از تکریم ندارد و زن تجسم یافته در جمعیت هم حکم‌کالا پیدا می‌کند. اما «زن نه شرقی و نه غربی» است که می‌تواند به نقش انسانی‌اش جایگاهی رفیع بیابد. زنی چنین است که باعث موفقیت‌های کلان برای جامعه می‌شود. اوست که از خانه تا گستره ملی و بین‌المللی، رسم بهتر زیستن را ترسیم می‌کند. نه فقط برای خود، که برای نیم دیگر پیکره انسانی رونق‌افزای حیات می‌شود. زن ایرانی چنین است، سازنده، نظام‌دهنده، تربیت‌کننده، شکوفنده و دارای شبکه‌ای از معانی برتر. برای فرداهای بهتر باید فضا را برای نقش‌آفرینی حیاتی زنانی چنین فراهم کرد.

گرمای مهربانی معلمان در سرمای زمستان

روزهای سرد و پراسترسی را پشت سر گذاشتیم. برای کاهش مصرف گاز، مدارس تعطیل شدند. از طرفی، دانش‌آموزان به‌ویژه خانواده‌ها نگران درس‌های عقب‌افتاده فرزندان‌شان بودند که تا حد زیادی هم حق دارند. روز گذشته با خبر شدیم جمعی از معلمان استانمان در اقدامی جهادی نگذاشته‌اند کوچک‌ترین ضربه‌ای به تحصیل دانش‌آموزان بخورد. در ادامه، چند تصویر با توضیح مختصری از این خبر می‌خوانید.



مصطفی یاسینی، آموزگار کلاس پنجم دبستان شهید سعادت نیشابور، درس ریاضی را در وضعیت آموزش مجازی در منزل شخصی‌اش برگزار کرد تا دانش‌آموزان کلاسش از درس عقب‌نمانند.



مجید صمدیه، آموزگار آموزشگاه مهدی قائم‌آل محمد^(ع) روستای همایی بخش میان جلگه شهرستان نیشابور، برای دانش‌آموزانش که به فضای آموزش مجازی دسترسی نداشتند، کلاس آموزش حضوری برگزار کرد.



آقای کاظمی، معلم جوان و پرانرژی پایه ششم ابتدایی دبستان امام‌رضا^(ع) در بدخت و مسئول قرارگاه جهادی امور جوانان آموزش و پرورش شهرستان گناباد، دانش‌آموزان کلاسش را به منزلش فراخواند تا از فرایند آموزش محروم نمانند.



محمدرضا پناهی، آموزگار آموزشگاه روستای مرزی و کم‌برخوردار مؤمن‌آباد شهرستان کلات، با توجه به نبود اینترنت و دسترسی نداشتن به شبکه‌شاد، دانش‌آموزان را در منزلی که در همان روستا به کلاس درس تبدیل کرده است، جمع کرد و در کنار آموزش دروس، درس اخلاق‌مداری و رفتار را به آن‌ها آموخت.



خانم شیخی، آموزگار پایه چهارم دبستان شهید پورابراهیمی، یکه‌توت شهرستان صالح‌آباد، با وجود داشتن فرزند کوچک، کلاس درس دانش‌آموزانش را در منزل خودش برگزار کرد.



زهراکاظمی، آموزگار پایه دوم آموزشگاه شهید ذوالفقاری روستای احمدآباد، خانه‌اش را کلاس درس کرد.